

فصل سوم

ویژگی‌های ظاهری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

مقدمه

بیش از چهارده قرن است که از زندگی سراسر الگوی آخرین فرستاده خدا یعنی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سپری می‌شود؛ مطالعه گوشه‌هایی از زندگی پربار آن انسان برتر و آینه کمال و بهره‌مندی از چشمه‌سار سخنان گهربار آن حضرت، باعث می‌شود آدمی طراوت، شادابی و معنویت را با همه وجود احساس و درک کند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برترین الگوی کمال‌جویی برای انسان است. از این‌رو، زبینه همگان است که با عشق و ایمان، مسیر پربار تکامل‌خواهی را پی گیرند و با الگو قرار دادن خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله در تمام ابعاد به‌ویژه آراستگی ظاهری بکوشند، تا گامی به عرصه پیروی از سیره و رفتار آن حضرت گذارند.

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به همان اندازه که به زیبایی و آراستگی درونی یعنی معنویت و خودسازی انسان، اهمیت داده است، آراستگی برونی و رسیدن به وضعیت ظاهری، اصلاح به موقع موهای سر و صورت، نظافت و پاکی و... نیز اهمیت داده و مورد تأکید فراوانی قرار داده است. آراستگی ظاهری، مطابق با اصول فکری و اعتقادی و رعایت نظافت و بهداشت از ویژگی بارز یک مسلمان و مؤمن می‌باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«التَّجَمُّلُ مِنْ اخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ»^۱

«آراستگی از اخلاق مؤمنان است».

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز چرکی و ژولیدگی را نکوهش کرده و براننده مسلمان نمی‌داند:

«إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْوَسْخَ وَالشَّعْثَ»^۲

«پروردگار، چرکی و ژولیدگی را دشمن می‌دارد».

چرکی و ژولیدگی اگر دشمنی با خداوند است آراستگی و پاکی انسان مؤمن، دوستی و تقرب با خداوند می‌باشد.

رعایت بهداشت، نظافت و آراستگی ظاهری علاوه بر تأکیدهای پی‌درپی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام - که در متون روایی معتبر بیان شده است - در سیره عملی آنان به‌ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله اهمیت زیادی داده شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نظافت، آراستگی، و... سخت پای‌بند بود و چنان اهمیت می‌داده که عطر و بوی خوش ایشان زبان‌زد همگان شده بود و آراستگی ظاهری آن حضرت یکی از عوامل موفقیت گسترش اسلام به حساب می‌آید. با توجه به مطالب بیان شده بحث را در سه محور ذیل پی می‌گیریم:

^۱ . آمدی، غررالحکم، ترجمه سیدحسین شیخ الاسلامی، ج ۱، ص ۱۹۲ .

^۲ . ابوالقاسم پاینده، نهج‌الفصاحه، ص ۱۵۰، ح ۷۴۱ .

۱ - سیمای ظاهری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله؛

۲ - آراستگی ظاهری پیامبر صلی الله علیه و آله؛

۳ - نظافت و پاکیزگی پیامبر صلی الله علیه و آله.

سیمای ظاهری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

مراد از سیمای ظاهری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شمایل و ویژگی‌های جسمانی و مشخصات چهره و اندام مبارک آن حضرت صلی الله علیه و آله است، که در منابع روایی و تاریخی مختلف از شیعه و سنی بیان گردیده است. قطعاً نمی‌توان شمایل و اندام مبارک حضرت را بدون استناد به منابع تاریخی و روایی معتبر، توصیف و تحلیل کرد. طبیعی است که در مورد شمایل به‌ویژه اندازه موهای سر آن حضرت، روایات تعابیر و بیان‌های مختلف وجود دارد که نگارنده به ذکر بخش‌هایی از آن بسنده نموده است که بیشتر در نوشتار بزرگان مورد توجه قرار داده شده است. از این رو لازم است سیمای ظاهری و شمایل آن حضرت که عبارتند از چهره، پیشانی، مو، ابرو، چشم، دست و... به‌صورت مختصر و کوتاه با استفاده از متقن‌ترین منابع، مورد بررسی و تبیین قرار بگیرد:

چهره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سیما و چهره پر اُبهت و جَداب داشت، صورت مبارکشان چونان ماه شب چهارده درخشان و رنگ چهره شریفش سپید مایل به سرخی بود.^۱ در برخی تعبیرها آمده که:

«چهره‌اش سپید، اما نمکین بود».^۲

چهره مبارکش گرد بود،^۳ بر لب پایین^۴ و گونه راست حضرت خال سیاهی نقش بسته بود.^۵ طبق روایات حضرت با نمک‌تر از حضرت یوسف علیه السلام بود.^۶

پیشانی: پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله درخشان بود و توجه دیگران را جلب می‌کرد. در روایات آن را چنین توصیف کرده است:

«پیشانی‌اش بلند^۷ و کمی به جلومتماایل بود،^۸ چون چراغی درخشان توجّه همگان را

جلب می‌نمود».^۹

مو: در مورد موهای سر مبارک حضرت آمده که: نه حالت‌دار بود و نه لخت و افتاده،^{۱۰} موهایش تا نرمه گوش

1 . سید محمدحسین طباطبائی، سنن النبی صلی الله علیه و آله ، ترجمه عباس عزیزی، ص ۳۷ ، ج ۱ ؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶ ، ص ۱۴۹ ، ح ۴ .

2 . محمدتقی هندی، کنز العمال، ج ۱ ، الكتاب الثالث من حرف الثمین، الباب الاول، ص ۳۱ .

3 . سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۴۷۹ ، ح ۹۶۰ ؛ ابواسحاق ابراهیم بن محمد تقی کوفی اصفهانی، الغارات، ج ۱ ، ص ۱۶۲ .

4 . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶ ، ص ۱۸۶ .

5 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۴۷۹ ، ح ۹۵۶ . قال صلی الله علیه و آله کان یوسف احسن منی ولکنی املح.

6 . همان، ص ۴۷۷ ، ح ۹۵۲ .

7 . همان، ص ۳۷ ، ح ۱ .

8 . همان، ص ۳۹ ، ح ۲ .

9 . همان، ح ۴ ؛ بحار الانوار، پیشین، ص ۱۸۱ ، ح ۲۰ .

10 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۳۹ ، ح ۲ .

می‌رسید،^۱ چون شانه می‌شد، بسان دانه‌های شن [از هم جدا] بود؛^۲ ام هانی می‌گوید:

«دیدم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله موهای خود را به صورت چهار گیسو بافته بود».^۳

محاسن مبارکش پر پشت و پر مو بود. شارش بلند نبود، ولی پر پشت بود. تعداد موی سفید در سر مبارک و محاسن شریف آن حضرت نمودار گردیده بود که به علت خضاب، سبزه به‌نظر می‌آمد؛^۴ انس بن مالک می‌گوید:

«در همه سر و صورت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فقط چهارده تار موی سفید وجود داشت».^۵

ابروان: ابروان آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله مانند سایر اندام‌های مبارکش زیبایی خاصی به حضرت بخشیده بود. در روایت آمده که، ابروان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به هم پیوسته، باریک و کشیده بودند.^۶

مژگان: مژگان بلند و انبوه یکی از جلوه‌های زیبای انسان است که خداوند متعال به بندگانش عطا می‌کند؛ طبق روایت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله دارایی مژه‌های بلند و انبوهی بود.^۷

چشمان: چشمان پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله بزرگ و سیاه بود؛^۸ حدقه چشمانش نیز سیاه بود؛^۹ - چه بسا به خاطر شب زنده‌داری - قرمزی کمی در سفیدی چشمانش، دیده می‌شد.^{۱۰}

گونه‌ها: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گونه‌هایی برجسته داشت؛^{۱۱} گونه‌های آن حضرت نه کم گوشت و نه پرگوشت، بلکه معمولی بودند.^{۱۲}

بینی: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بینی متناسب و زیبایی داشت. بینی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله باریک و کشیده بود؛^{۱۳} سوراخ بینی‌اش تنگ نبود.^{۱۴}

دهان: دهان مبارک پیامبر - مانند سایر اندام و سیمای حضرت - از زیبایی خاصی برخوردار بود؛ فراخ اما متناسب بود.^{۱۵}

چانه: چانه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به تناسب قد و قامتش بود، نه کوتاه بود و نه بلند. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چانه‌ای متناسب داشت.^{۱۶}

1 . النسائی، سنن النسائی، بشرح الحافظ جلال الدین السیوطی، ج ۸، ص ۱۸۳؛ مجلسی، پیشین، ص ۱۴۸.

2 . ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۲.

3 . سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۴۱، ح ۴.

4 . همان، ص ۳۷، ح ۱.

5 . همان، ص ۴۱، ح ۹؛ احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۵۱۳.

6 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۳۷، ح ۱؛ مجلسی، پیشین، ص ۱۸۱، ح ۲۰.

7 . محمدحسین طباطبائی، پیشین.

8 . همان.

9 . همان، ص ۴۷۹، ح ۹۶۲.

10 . همان، ص ۳۷، ح ۱.

11 . همان.

12 . همان، ص ۳۹، ح ۲.

13 . همان.

14 . همان، ص ۳۷، ح ۱.

15 . همان.

16 . مجلسی، پیشین، ص ۱۸۱، ح ۲۰؛ سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۳۹، ح ۲.

دندان: دندان‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از هم جدا و سفید بودند (مفلج الاسنان)^۱، در هنگام لبخند، دندان‌های مبارکش چون دانه‌های تگرگ جلوه کرده و نمودار می‌شد و خیلی زود سپیدی دندان‌هایش مانند برقی در زیر لبانش پنهان می‌شد.^۲

گردن: پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله گردنی بسان نقره داشته است:

«كَانَ عُنُقُهُ جِيدٌ دُمِيَّةٌ فِي صَفَاءِ الْفِضَّةِ»^۳

«گردن آن حضرت در زیبایی چون نقره سفید بود».

«كَانَ صلی‌الله‌علیه‌وآله من احسن عبادالله عُنُقًا لا ينسبُ الى الطول و لا الى القصر»^۴.

«گردن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از همه زیباتر بود و نه خیلی بلند بود و نه خیلی کوتاه».

اندام: براساس روایات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اعضا و اندام معتدل داشت، شکم آن حضرت با سینه‌اش مساوی بود؛^۵ اعضا و جوارح سخت و محکم بود، نه دراز قد بود و نه کوتاه قد.^۶ از نظر اندام انسانی معتدل بود، در اواخر عمر اندکی چاق شد، اما از نظر گوشت بدن، چنان محکم و قوی بود که براساس روایات گویی پیری در او اثر نکرده است.^۷

شانه: شانه پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که نماین‌گر توانایی و قدرت جسمی حضرت بود، طبق احادیث چنین بیان شده است که: حضرت چهار شانه بود و شانه‌های پهنی داشت.^۸

سینه: سینه سترگ و مبارکش - براساس روایات - بدین‌گونه شرح داده شده است که: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دارای سینه پهنی بود، شکم و سینه‌اش مو نداشت؛ از وسط سینه تا ناف خط باریکی از مو وجود داشت.^۹

دست: کف دست مبارکش فراخ و هم‌چون کف دست عطاران خوش‌بو و معطر،^{۱۰} کلفت و محکم بود؛^{۱۱} مچ‌های دستانش پهن و ساعدهای کشیده داشت.^{۱۲} ساعدش مو نداشت؛^{۱۳} هنگامی که به چیزی اشاره می‌کرد با دست اشاره می‌کرد نه با چشم و ابرو.^{۱۴}

پا: پاهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله استخوان‌های قلمی داشت و پایش کشیده بود.^{۱۵} ساق‌های پای شریفش در حد و اندازه و کم‌گوشت

1 . همان، ح ۱ .

2 . همان، ص ۳۹، ح ۳ .

3 . همان، ح ۳۹، ح ۱ .

4 . مولی محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۵۵ .

5 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۳۹، ح ۱ .

6 . همان، ح ۲ .

7 . همان، ص ۴۷۷، ح ۹۵۲ .

8 . همان، ص ۳۷، ح ۱ .

9 . همان؛ مجلسی، پیشین، ص ۱۸۱، ح ۲۰ .

10 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۳۹، ح ۳ .

11 . محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۴۹ .

12 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۳۷، ح ۱ .

13 . تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۱۳ .

14 . الطبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۳ .

15 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۳۹، ح ۲ و ۳ .

بود؛^۱ استخوان مفاصلش درشت و هنگام حرکت کاملاً در اختیارش بود.^۲

بنابراین سیمای ظاهری و شمایل مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مثل چهره، مو، ابرو، چشم، دست و... چنان زیبا و متناسب آفریده شده بود که جلوه و زیبایی خاص داشت و با آراستگی ظاهری که خود حضرت انجام می‌داد، درخشش و نمود خاص و زیبایی غیرقابل توصیف پیدا می‌کرد؛ به گونه‌ای که نمونه همه دوران‌ها گشت.

آراستگی ظاهری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

آراستگی ظاهری که از جمله ویژگی‌های انسان می‌باشد، عبارت است از رعایت پاکیزگی، نظم در پوشاک، چهره و... به‌منظور استفاده بهینه از امکانات موجود و لباس‌هایی که در عین سادگی، تمیز و مرتب‌اند و مانع تنفر و آزرده‌گی دیگران می‌گردند. آراستگی ظاهر - که نشانه‌ای از شخصیت، تربیت و فرهنگ انسانی می‌باشد - فطرتاً محبوب و دوست‌داشتنی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز بدان توجه شایان داشته است. طبق روایات فراوان حضرت موهای سر و محاسن را به موقع اصلاح می‌کرد. هر روز چندین مرتبه به آینه نگاه کرده و آن‌ها را با شانه مرتب و منظم می‌نمود. او آراسته‌ترین فرد روزگار بود؛ برای لباس و پوشش که نقش بنیادین در آراستگی دارد، بهترین نوع، جنس، و رنگ را انتخاب می‌کرد، که در عین توجه داشتن به آراستگی ظاهری، با صرفه و ارزان و از نظر روحی و روانی نیز مفید و مؤثر بوده و برای بدن نیز زیان نداشته باشد. اینک به جلوه‌هایی از آراستگی ظاهری حضرت - که برای همگان بهترین الگو است - به‌طور اختصار در چند بخش از جمله آراستن سر و صورت و نحوه پوشش و... می‌پردازیم:

۱ - آراستن سر و صورت

از جمله آراستگی ظاهری، آراستن سر و صورت است که موجب زیبایی انسان می‌گردد. خداوند خود زیباست و زیبایی را دوست دارد؛^۳ طبعاً مسلمان زیبا و آراسته را خداوند دوست می‌دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله که اسلام مجسم است وضعیت ظاهری (سر و صورت) خود را کلاً به پنج طریق می‌آراست:

الف - اصلاح موهای سر و صورت؛

ب - شستن موی سر و محاسن؛

ج - روغن مالیدن به آنان؛

د - خضاب؛

ه - سرمه؛

و - آینه و شانه.

الف - اصلاح موهای سر و صورت: اصلاح و مرتب نمودن موهای سر و صورت نقش مهم در آراستگی انسان دارد؛ پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله علاوه بر این که موهای سر و صورت را اصلاح می‌کرد، دیگران را نیز به چنین عملی توصیه می‌کرد؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از شانه زدن مو، آن را با آب صاف و مرتب می‌کرد^۴ و می‌فرمود: کسی که مو دارد، یا آن را

۱ . همان، ح ۲ .

۲ . همان .

۳ . امام علی علیه السلام: «ان الله جميل يحب الجمال»، حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۴۰، ح ۲ .

۴ . سیدمحمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۲۷، ح ۲۲۷ .

کوتاه کند یان را به خوبی سامان دهد،^۱ اصلاح سر و صورت به زیبایی انسان می‌افزاید.^۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردی نگریست که محاسن بلندی داشت، فرمود: چه می‌شد اگر محاسنش را اصلاح می‌کرد؟ خبر به آن مرد رسید. محاسنش را به گونه‌ای اصلاح کرد که نه بلند بود و نه کوتاه، سپس به دیدار حضرت آمد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با دیدن او، فرمود: این‌گونه اصلاح کنید.^۳ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مقدار و اندازه محاسن و ریش می‌فرماید:

«وقتی محاسن را در مشت گیرند، هر چه از مشت بیشتر باشد باید کوتاه شود».^۴

حضرت اصلاح شارب و سبیل را مستحب اعلان کرد و فرمود:

«کسی از شما شارب خود را بلند نکند؛ زیرا شیطان آن را پناهگاه خود قرار می‌دهد».^۵

چیدن مو از بینی را نیز مستحب دانست و فرمود:

«شارب و موی بینی خود را بیچینید و خود را بر این کار ملزم کنید. این کار بر زیبایی شما

می‌افزاید».^۶

گرفتن موی بالای لب به گونه‌ای که لب نمایان گردد از سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

بنابراین اصلاح و مرتب نمودن موهای سر و صورت مورد تأکید پیامبر است و نقش اساسی در آراستگی انسان دارد. عمل کردن به توصیه و سیره عملی پیامبر به‌منظور آراستگی ظاهری بسیار مفید و مؤثر می‌باشد و مسلمانان نباید از آن غفلت ورزند.

ب - شستن موهای سر و صورت: شستن هر چیزی موجب پاکی و نظافت آن می‌گردد؛ موهای سر و صورت نیز اگر به موقع شسته شود و مرتب گردد به آراستگی و زیبایی انسان می‌افزاید؛ در روایات فراوانی شستن سر و صورت با برخی گیاهان توصیه شده است که علاوه بر ثواب و پاداش اخروی، آثار مثبت دنیوی نیز دارد. البته اعتماد کردن به چنین روایات از باب اخبار من بلغ و ادله تسامح سنن است. پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای آراستن خود، موهای سر و صورت را شست و شو می‌داد؛ گاهی موی سر و محاسن مبارک را با سدر می‌شست.^۷ امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید:

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله غمگین شد و جبرئیل او را واداشت تا سرش را با سدر بشوید».^۸

بر اساس روایات، هر که سرش را با برگ سدر شست و شو دهد، خداوند هفتاد روز و سوسه شیطان را از او دور می‌کند

۱ . الصدوق، من لایحضره الفقیه، التحقیق: علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۱۲۹؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۸۳ .

۲ . الصدوق، خصال، التحقیق: علی اکبر غفاری، ص ۵۳۸؛ محمد بن القتال النیسابوری، روضة الواعظین، التحقیق: السید محمد مهدی، السید حسن الخراسانی، ص ۳۰۹ .

۳ . بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۱۳ .

۴ . محمد بن القتال النیسابوری، پیشین.

۵ . همان.

۶ . وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۲۴؛ سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۳۵، ح ۲۲۹ .

۷ . سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۳۵، ح ۲۲۶ .

۸ . بحار الانوار، ترجمه ج ۱۶، ترجمه محمدباقر کمره نزیل شهری، تصحیح محمدبهشتی، ص ۵۸، ح ۴، باب ۵ .

و هرکه هفتاد روز این کار را انجام دهد، خدا را نافرمانی نکند و هرکه نافرمان خدا نباشد به بهشت می‌رود.^۱
پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و صورت را با خطمی نیز می‌شسته است؛ طبق روایت هرکس سر خود را در روز جمعه با خطمی بشوید ثواب کسی را دارد که يك بنده آزاد کرده باشد.

ج - روغن مالیدن به سر: روغن مالیدن به موهای سر موجب مرتب و منظم شدن موها گردیده و انسان را آراسته می‌سازد؛ پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آراستگی ظاهری، موهای سر و صورتش را روغن می‌مالید و می‌فرمود:

«مالیدن روغن شوربختی را می‌برد».^۲

چون می‌خواست روغن بمالد، از سر و محاسنش آغاز می‌کرد، و می‌فرمود:

«سر جلوتر از محاسن است».^۳

ابتدا ابروها و بعد شاربش را روغن می‌مالید، آن را بو می‌کشید، سپس موی سرش را روغن می‌زد. مالیدن روغن بنفشه را مستحب اعلان کرده و آن را بر روغن‌های دیگر برتری می‌داد^۴ و می‌فرمود:

«روغن بنفشه بمالید که در تابستان خنک و در زمستان گرم است».^۵

د - خضاب کردن: خضاب کردن موهای سر و محاسن از سنت بسیار مهم پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و عمل کردن به آن علاوه بر پاداش‌های اخروی، ظاهرانسان را می‌آراید، به‌ویژه افراد مسن و بزرگ سال که موهای محاسن و سرشان به سفیدی گرییده است با خضاب، سفیدی آن‌ها برطرف شده و چه بسا آنان را شاداب نشان می‌دهد. البته برای خضاب فواید فراوانی بیان شده است.^۶ براساس روایات فراوان و شواهد تاریخی، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، موهای سر و محاسن شریفش را خضاب می‌کرد. انس بن مالک می‌گوید:

«رأيت شعر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مخضوبا».^۷

«موی پیامبر خدا را درحالی که خضاب شده بود، دیدم».

آن حضرت، موی خود را با حنا خضاب و رنگ می‌کرد.^۸

یکی از صحابه آن حضرت می‌گوید:

«به حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفتم دیدم که محاسنش را خضاب کرده بود».^۹

1 . همان، ج ۶ .

2 . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۵۱ .

3 . همان .

4 . همان، ص ۴۵۳ .

5 . همان؛ حلیة المتقین، ص ۱۱۱ .

6 . همان .

7 . محمد بن عیسیٰ ترمذی، الشمائل النبویه و الخصائص المصطفویه، ص ۹۰، ج ۴۸ .

8 . همان، ص ۸۹ - ۹۰، ج ۴۷؛ عبدالرحمن ابن جوزی، الوفاء باحوال المصطفی، ص ۶۰۴، ج ۱۱۵۷، ۱۱۵۶ .

9 . همان، ص ۶۰۵، ج ۱۱۵۸ .

محمد بن مسلم در باره خضاب از امام صادق علیه السلام پرسید، حضرت فرمود:

«رسول خدا خضاب می‌کردند و همینک موی خضاب شده آن حضرت نزد ما می‌باشد»^۱.

نیز می‌فرماید: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و سپیدی در ریش او مشاهده شد، حضرت فرمود: این نور است، هر که در پرتوی تعالیم اسلام مو سپید کند، نور او، در روز قیامت است. هنگامی که با حنا خضاب کرده و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نور و اسلام است. در مورد این که خضاب سیاه کرده بود، فرمود: نور، اسلام و ایمان است.^۲

خضاب با هر رنگی باشد بدون اشکال می‌باشد؛ چنان که مردی که با رنگ زرد محاسن خود را خضاب کرده بود نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، حضرت فرمود: این زیباست. بعد با ریش سرخ حنایی آمد، حضرت با تبسم به او فرمود: این بهتر است. هنگامی که با ریش سیاه شده بر حضرت وارد گردید حضرت با چهره خندان به او فرمود: این از آن دو بهتر می‌باشد.^۳

خضاب برای مردان و زنان سنت مؤکد اسلام است. خضاب دست و پا برای مردان کراهت دارد. مردان باید موی سر و محاسن را خضاب کنند. زنان علاوه بر موی سر، دست و پا را نیز باید خضاب نمایند؛^۴ خضاب که یکی از توصیه‌های اسلام به پیروانش می‌باشد، اجر و پاداش فراوان دارد؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرموده است:

«يك درهم در راه خدا خضاب مصرف کردن، بهتر از هزار درهم است که در راه غیر خدا انفاق و مصرف شود»^۵.

حسن بن جهم می‌گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم خضاب بستی؟ حضرت در پاسخ فرمود: نمی‌دانی که ثواب دارد؟^۶

بنابر این حنا کردن موی سر و محاسن، از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«دوست ندارم مسلمانی از دنیا برود، مگر آن که همه سنت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله را حتی يك بار هم

که شده، انجام دهد»^۷.

امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال که آیا خضاب نمودن محاسن و موی سر از سنت است؟ فرمود: آری.^۸ بدون شك، رسیدن به کمال و هدف اصلی، زمانی تحقق می‌یابد که انسان در تمامی رفتارهای خویش از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کرده و خود را به ظاهر و باطن و آداب آن حضرت آراسته نماید، که موجب خیر دنیا و آخرت می‌باشد. خضاب نمودن یکی از سنت‌های مؤکد آن حضرت است.

هـ - سرمه کشیدن: سرمه کشیدن به چشم، موجب می‌شود که چشم به ظاهر، برجسته و زیبا نمایان گردد. طبیعی است که زیبایی چشم در زیبایی و آراستگی انسان نقش دارد. از این رو، سرمه کشیدن به چشم، از دستوره‌های مورد اهتمام اسلام می‌باشد؛ که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علاوه بر این که خود به چشمان مبارکش سرمه می‌کشید به دیگران نیز این عمل را توصیه می‌کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به رخت‌خواب خویش می‌رفت با «سرمه سنگ» سرمه می‌کشید و عدد آن را طاق قرار می‌داد.^۹ قبل از خوابیدن، چهار بار به چشم راست و سه بار به چشم چپ خود سرمه می‌کشید.^۹ طبق برخی روایات

1 . بحار الانوار، ترجمه ج ۱۶، ص ۶۵، باب ۸، ح ۹.

2 . همان.

3 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۳۷، ح ۲۳۳.

4 . حلیة المتقین، ص ۲۷.

5 . بحار الانوار، ترجمه ج ۱۶، ص ۶۴، ح ۲، ص ۶۵.

6 . همان.

7 . همان، ص ۱۴۹، ح ۲۶۹.

8 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۳۹، ح ۲۳۹.

9 . همان، ح ۲۴۰.

دارد رسول خدا صلی الله علیه و آله به چشم راستش سه بار سرمه می‌کشید و به چشم چپش دو بار. حضرت سرمه‌دانی داشت که هر شب با آن سرمه می‌کشید و سرمه‌اش از سنگ بود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود روایات در تعداد سرمه کشیدن حضرت اختلاف دارد. علامه طباطبائی می‌فرماید:

«اختلاف روایات در باره تعداد سرمه کشیدن‌های پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که حضرت در مواقع مختلف، گوناگون عمل می‌نموده است. خود سرمه کشیدن در هنگام خواب از سنت است و تعداد آن مهم نیست»^۱.

چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود هر که خواهد سه بار سرمه کشد و در هر زمانی، کم و بیش کردن آن گناهی ندارد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید سرمه بکشد»^۲.

و - آیین و شان: آراستگی سر و صورت و مرتب نمودن موی چهره و سر، از نشانه‌های بارز اهمیت دادن به سنت اسلامی است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آیین نگاه می‌کرد، موی سر خود را شانه می‌زد، گاهی به جای آیین، در ظرف آب نگاه می‌کرد و موی سر خود را مرتب می‌ساخت و علاوه بر این که خود را برای خانواده آراسته و مهیا می‌کرد، برای برادران دینی هم خود را می‌آراست.^۳

پیامبر اعظم روزی در ظرف آبی که در اتاق قرار داشت نگاه می‌کرد و خود را می‌آراست، وقتی همسرش عایشه او را دید گفت: پدر و مادرم فدایت! تو پیامبری و بهترین آفریدگان، چرا چنین می‌کنی؟ حضرت فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ عَبْدَهُ إِذَا أَخْرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلُ»^۴.

«خداوند از بنده‌اش این را دوست دارد که هرگاه نزد برادران دینی‌اش بیرون می‌رود خود را برای آنان

آماده و آراسته سازد».

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«خداوند بهشت را برای جوانی که بسیار در آیین نظر می‌کند و حمد خدا را بسیار می‌گوید که خدا او

را به صورت نیکو آفریده و معیوب نگردانیده، واجب می‌گرداند»^۵.

روشن است که چنین شیوه، سبب جذب و جلب دیگران می‌گردد و به نفوذ دعوت تبلیغی یک پیشوا می‌افزاید. رسول خدا صلی الله علیه و آله، سر مبارکش را شانه می‌کرد. همسرانش مراقب و منتظر بودند که وقتی از موهای سر و صورت حضرت می‌ریخت، آن‌ها را جمع می‌کردند، تار موهای که گاهی نزد مردم به عنوان تبرک مانده بود، از همان موها بود. وی، گاهی روزی دوبار، محاسن خود را شانه می‌زد و شانه را زیر تشک و بالش خود می‌گذاشت.^۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله با شانه مخصوص به‌نام

1 . همان، ص ۱۳۹ .

2 . همان، ص ۶۲، ح ۴ .

3 . و كان صلی الله علیه و آله ينظر في المرأة و يُرجل و جَمَنَهُ و يمتشط و رُبما نظرَ في الماء و سوي جَمَنَهُ فيه و لقد كان يتجمل لأصحابه فضلاً على تجمله لاهله. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹ .

4 . همان .

5 . حلية المتقين، ص ۲۶ .

6 . مكارم الاخلاق، ج ۱، ص ۸۱ .

«مدری» سرش را شانه می‌زد، و چه بسا که محاسن شریف را هر روز دوبار شانه می‌زد.^۱ بنابراین آراستگی ظاهری عبارت است از رسیدگی به وضع ظاهری که به منظور استفاده بهینه از امکانات موجود صورت می‌گیرد و این مسئله مورد توجه و اهمیت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. آن حضرت خودش را با مرتب کردن سر و صورت و مالیدن روغن به آن‌ها، می‌آراست، و خضاب می‌کرد و به چشمان مبارکش سرمه می‌کشید. موهای سر و محاسن شریفش را شانه کرده و با آب صاف و مرتب کرده و به دیگران نیز تأکید و توصیه می‌کرد.

۲- لباس و پوشش

لباس برای پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما، گرما، و آلودگی‌ها و موجب آبرو و آراستگی انسان می‌باشد. تبدیل لباس به ابزار تفاخر و تجمل و ارزش آن را در کیفیت و قیمت آن دانستن، نوعی انحراف از فلسفه وجودی لباس است.

^۱ . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۴۵، ح ۲۶۳.

تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت^{۸۱}

«از عوامل ارجمندی مؤمن نزد آفریدگار و الا، پاکیزگی لباس اوست».^{۸۷}

زینا بر این لباس پاکیزه و مرتب که موجب ارجمندی نزد پروردگار عالم است، انسان را آراسته می‌کند و
 می‌بخشد. در این جا به نمونه‌هایی از سیره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در مورد جنس و رنگ لباس و ... پرداخته شود:

الف - جنس لباس: لباس مناسب و پاکیزه که پوشیدن و استفاده کردن از آن اسراف، تجمل‌گرایی و ... نباشد،
 نقیصه‌ها را پوشانده و شرم را برساند.

در آراستگی انسان دارد؛ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علاوه بر این که به سلامت و عافیت جسمی توجه وافر داشت، به
 سادگی و نوسازی و نوع سادگی و نوسازی
 پارچه لباس نیز بسیار علاقه‌مند بود. به لباس پنبه‌ای بیش‌تر مورد علاقه نشان می‌داد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:
 «لباس پنبه بپوشید، چرا که آن لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت، لباس
 پشمین و مویزین
 نمی‌پوشیدند، مگر در حال ناچاری».^{۸۸}

و بهترین جامه، لباسی است که از پنبه بافته شده باشد، لباس پنبه‌ای لباس اهل بیت علیهم السلام است.^{۸۹} پیامبر
 صلی الله علیه و آله هم در حال اضطرار جبهه‌ای پشمین بر تن می‌کرد.
 بنابراین بهترین جنس لباس از نوع پنبه است که برای بدن مفید می‌باشد. از امام صادق علیه السلام روایت شده
 است که:

«پوشیدن کتان (از جنس پنبه) بدن را فربه می‌کند».^{۹۰}

ب - رنگ لباس: طبیعی است که رنگ لباس در آراستگی ظاهری انسان نقش اساسی دارد. انتخاب رنگ
 نامناسب و زنده، موجب تنفر دیگران از انسان می‌گردد. لباس اولین حایل بین بدن انسان با محیط است. از یک سو تماس
 مستقیم بدن با محیط است و از طرفی با محیط خارج. در این میان علاوه بر نوع و جنس، رنگ لباس می‌تواند مانع انتقال برخی
 از امواج و تشعشعات محیطی به بدن گردد.

اگر انتخاب نوع، جنس و رنگ لباس با آگاهی و شناخت صحیح صورت بگیرد، می‌تواند نقش عمده و
 مثبتی در حفظ سلامت جسم و روح انسان داشته باشد. بنابراین برای تعادل و سلامتی جسمی، روحی و رشد طبیعی، شناخت سیره
 پیامبر صلی الله علیه و آله و آراستگی لباس، لازم و ضروری است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در پوشیدن لباس - افزون بر نوع و جنس آن - به رنگ و پاکیزگی آن نیز اهمیت فراوان
 می‌نمود. او می‌فرمود: «لباسی که در آن شکر و نمک باشد، آن را نپوشید».^{۹۱}

چرا که انتخاب رنگ نامناسب و آشفته‌گی لباس علاوه بر زیان‌های جسمی و روحی موجب انزجار، بی‌علاقگی و
 تنفر دیگران می‌گردد.

دلیل کارنگی در مورد تأثیر آراستگی ظاهر و تمیز و مرتب بودن لباس در روح و روان افراد جامعه
 می‌تواند این باشد که روان‌شناسان، پرسش‌نامه‌ای برای عده زیادی فرستاد. در این پرسش‌نامه از تأثیر لباس بر آن‌ها سؤال شده بود.
 همگی پاسخ دادند وقتی لباس مرتب و تمیز پوشیده‌اند، احساس این‌که یک چنین لباسی را در برنموده‌اند اثری در آن‌ها می‌گذارد
 که غیرقابل بیان است، ولی اثراتش قطعی و حقیقی است. لباس مرتب و تمیز در آن‌ها اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و بر عزت
 نفس آن‌ها تأثیر مثبت دارد.

87 . همان، ص ۵۴۶ .

88 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۷۳، ح ۳۲۳ .

89 . حلیه المتقین، ص ۶ .

90 . همان، ص ۷ .

می‌افزود. آن‌ها اظهار داشتند وقتی به چهره يك فرد موفق در می‌آمدند، احساس می‌کردند در باره موفقیت و رسیدن به آن

راحت‌تر فکر می‌کنند. چنین است اثر لباس در مورد نفس پوشنده آن.^{۹۱} البته به همان اندازه که تمیز بودن و مرتب بودن لباس در روح و روان افراد تأثیر مثبت دارد طبیعی است که رنگ آن نیز اثرگذار خواهد بود. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که الگوی زندگی است - رنگ‌هایی برای لباس خود برمی‌گزید. که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱ - سبز: رنگ سبز لباس، در زیبایی و آراستگی انسان نقش دارد؛ این رنگ مورد پسند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای لب‌ها بود.^{۹۲} پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) عبايي به رنگ سبز داشت که گاهی آن را برشانه خود می‌انداخت.^{۹۳} طبق نظر روان‌شناسان، امروزه هر يك از رنگ‌ها از لحاظ روحی و روانی آثار مخصوص به خود را دارند.

رنگ سبز نمایانگر هدف و اراده در عمل و نمودار ثبات و استقامت در مقابل تغییر هاست؛ رنگ سبز برای درمان بیم‌اری‌ها و اختلالات روانی توصیه شده است؛ قدرت تحمل و صبوری را افزایش می‌دهد؛ خشم و فشارهای عصبی و فشار خون را کاهش می‌دهد. رنگ سبز در لباس‌های عصبی و فشارخون‌ها را از میکروب‌ها پاک می‌سازد. این رنگ مسکن و هیپنوتیک است و در تحریک‌های عصبی، تشنگی‌ها اثرگذار می‌باشد. فشار خون را کم می‌کند و میگرن را تسکین می‌دهد.^{۹۴}

۲ - سفید: رنگ سفید نیز مورد توجه فراوان پیامبر بوده است؛ طبق روایات، بیش‌تر جامه‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سفید بود.^{۹۵} و می‌فرمود:

«لباس سفید را بر زندگانتان بپوشانید و مردگانتان را هم با پارچه سفید کفن کنید».^{۹۵}
 «هیچ لباسی زیباتر از سفید نیست، پس آن را بپوشید و مردگانتان را در آن کفن کنید».^{۹۶}

«زیباترین رنگی که در گورها و مساجدتان با آن خداوند را ملاقات خواهید کرد [رنگ سفید است]».^{۹۷}

از نظر روان‌شناسان نیز لباس سفید، خنک‌کننده خوبی است، زیرا تمام اشعه‌های تابیده شده سرپای را می‌سازد، و در نتیجه گرمای زیادی تولید نکرده و مکانیسم طبیعی، تنظیم حرارت بدن که مرکز آن در قاعده مغز قرار دارد آسان‌تر صورت می‌گیرد.^{۹۸}

پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نمونه‌های تمیزی و آراستگی بود، در لباس پوشیدن نیز به این نکته توجه داشت و لباس سفید را سفید می‌پوشید؛ امت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز به پیروی از سنت او، لازم است تا می‌توانند لباس‌های سفید بپوشند، زیرا لباس سفید خنک‌کننده و خنک‌کننده است.

91 . دلیل کارنگی، آیین سخنرانی، ص ۲۱۴ .

92 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۶۷، ج ۳۱۱ .

93 . الوفاء باحوال المصطفی، ص ۵۸۳، ج ۱۱۰۸ .

94 . محمدامین حجتی، اثرات تربیتی رنگ‌ها از نظر اسلام و روان‌شناسی، ص ۵۸ - ۵۹ .

95 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۳۱۲ .

96 . اشعث سجستانی، سنن ابی‌داود، ج ۲، ص ۲۷۶ .

97 . الحرانی، تحف العقول، ص ۱۰۳ .

98 . محمدامین حجتی، پیشین، ص ۴۲ .

به‌گونه‌ای است که چرك و آلودگی آن زودتر معلوم می‌شود و انسان مقید به سنت نبوی، به شستن و تمیز کردن آن روی می‌آورد.

البته انبساط خاطر و باز شدن روحیه نیز از فواید پوشیدن لباس روشن و سفید است.

۳ - زرد: لباسی با رنگ زرد مورد توجه و عنایت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ملحفه‌های داش ت که به زعفران

رنگ آمیزی شده بود و گاهی تنها با پوشیدن همان با مردم نماز می خواند.^{۹۹} زید بن اسلم می گوید:

«كان رسول الله ﷺ يصبغ ثيابه كلها بالزعفران حتى العمامة».^{۱۰۰}

پیامبر همه لباس هایش، حتی عمامه اش را با زعفران رنگ می کرد.
نزد روان شناسان، رنگ زرد سمبلی برای روح آزاد و استقلال است. درخشش رنگ زرد، احساسات انسان را زیاده ریزی و از اندوه آزاد و رها می سازد و افکاری را به انسان تلقین می کند که بیشترین تأثیر را بر نیروی خود درممانی فرد مرد می گذارد.
رنگ زرد به عنوان درمان ضدافسردگی شناخته شده است. درمان افسردگی با رنگ معمولاً بدون واکنش های دفاعی خاصی چون سوزش چشم از خود بروز می دهد. تحریک چشم و سیستم عصبی را نیز تحریک می کند. به این طریق تمام بدن نیز رویش را بر روی مقابله با افسردگی فرا می خواند. این رنگ را خوراک اعصاب نامیده اند. در درمان پوستی و شفاف کردن پوست نیز مؤثر می باشد.
و نوعی حالت تحریک کننده ذهن و هوش را در پی دارد که شدیداً موجب تقویت فکر انسان می گردد.^{۱۰۱}
پیامبر اعظم ﷺ در کنار علاقه مندی به برخی رنگ ها - که اشاره شد - از برخی رنگ ها نیز استفاده نمی کرد و بر دو رنگ قرمز و سیاه ک تأکید می کرد.
آن ها را مکروه می شمرد؛ از جمله رنگ قرمز آن را نمی پسندید:
«انه كره الخُمْرة في اللباس».^{۱۰۲}

روان شناسان می گویند:

«رنگ قرمز محرك است و برای افرادی که عصبانی هستند نیابستی در منازل از آن

استفاده کنند».^{۱۰۳}

همچنین رسول خدا ﷺ جز در سه چیز، رنگ سیاه را خوش نداشت: چکمه، عمامه و عبا.^{۱۰۴} از نظر روان شناسان رنگ سیاه حزن آور است، آلودگی و چرک را به آسانی نشان نمی دهد.^{۱۰۵}
ج - اندازه و بی تکلفی در لباس: لباس در صورتی موجب آراستگی انسان است که علاوه بر پاکیزگی آن، از نظر کوتاهی، گشادی، تنگی و ... متناسب و به اندازه قد و قامت انسان باشد و نو و کهنه بودن و ... ملاک نیست. جامه ای که برتری بی آورد یا انسان را مغرور و سرمست نماید، مذموم و ناپسند می باشد. مقید شدن به نوع خاصی از لباس نیز اسارت آور خواهد بود.

جامه بلندی که بر زمین کشیده شود نشانه تکبر است و در جاهلیت، شیوه اشراف جاهلی بوده است. پیامبر ﷺ این که از پوشیدن آن گونه جامه ها، نهی می کرد، خود جامه ای می پوشید که از نظر بلندی به قوزک پاهایش نمی رسید:
«كانت ثيابه لها مُثْمرة فوق الكعبين».^{۱۰۶}

پیامبر اعظم ﷺ به ابودر فرمود هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد، خداوند در قیامت به او

99 . المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۴۱ .

100 . محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۰۹ .

101 . محمدا مین حجتی، پیشین، ص ۵۲ .

102 . محمد حسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۷۹، ح ۳۵۰ .

103 . محمدا مین حجتی، پیشین، ص ۹ .

104 . محمد حسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۷۷، ح ۳۴۵ .

105 . محمدا مین حجتی، پیشین .

106 . همان، ص ۱۶۷، ح ۳۱۳ .

ازار (شلوار) مرد... تا بند پا جایز است نه بیش‌تر از آن؛^{۱۰۷} پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در وصیتی به شخصی فرمود: مبدا که پی‌راهن و شلوار خدود را بلند کنی که این نشانه تکبر است و خداوند تکبر را دوست ندارد.^{۱۰۸} از نشانه‌های وارسنگی پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در پوشیدن لباس و این‌که فخر خویش را در جامه و نوع آن نمی‌دانست، است، این‌گونه بود.^{۱۰۹} است که هر نوع لباسی که فراهم می‌شد می‌پوشید؛ لنگ و پیراهن یا جبه یا هر چیز دیگر.^{۱۰۹} چنان‌که گاهی عبا کهنه و وصله داری داشت که آن را بر تن می‌کرد و می‌فرمود: من بندهام و لباس بندگان را می‌پوشم. دو جامه داشت که ویژه روز جمعه بود، غیر از لباس‌های دیگری که در روزهای غیر جمعه بر تن می‌کرد. چه بسا که یک روپوش بدون لباس دیگر می‌پوشید و دو سوی آن را میان شانه‌اش گره می‌زد و با همان لباس بر جنازه‌ها با مردم نماز می‌خواند و چه بسا که با همان یک لباس روپوش در خانه خود نماز می‌خواند و آن را دور خود می‌پیچید و... ای لباس، نماز شب می‌خواند و همچنین گاهی یک طرف لباس را بر تن می‌کرد و طرف دیگرش را روی بعضی از زنها می‌انداخت و به این ترتیب در آن نماز می‌خواند.^{۱۱۰}

د - ساده‌پوشی: لباس و پوشش مناسب که با قد و قامت انسان سازگاری دارد و از راه حلال و مشروع تهیه شده و علاوه بر آراستگی ظاهری، نقش مؤثری در آراستگی معنوی انسان دارد؛ اگر لباس و پوشش از راه حرام به دست آمده باشد، نماز و عبادتی که با آن به‌جا آورده می‌شود، صحیح نیست. چنین لباسی و پوشش به ظاهر انسان را آراسته می‌دهد، ولی از معنویت دور می‌کند.

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله چنان ساده زندگی می‌کرد که در طول حیات مبارکش به هیچ جلوه فریبنده دنیا وابسته و علاقه‌مند نبود. چنان‌که هر چه فراهم بود می‌پوشید، چه قطیفه‌ای بی‌ارزش، یا برد یمانی بپوشد و چه جبه پشمین. هر چه از حلال می‌یافت می‌پوشید:

«ما وجد من المباح لبس»^{۱۱۱}

مهم برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مباح بودن جامه بود، نه قیمت، جنس، دوخت و جذاب بودن آن. در سخن دیگر آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عبا داشت که هرگاه می‌خواست نماز نافله بخواند، آن را دولا کرده و زیرش می‌انداخت. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و بدون هیچ فرش دیگری می‌خوابید.^{۱۱۲} بنابراین لباس در صورتی موجب آراستگی انسان می‌گردد که به اندازه قامت انسان بوده و مباح باشد. پیامبر در پوشیدن لباس علاوه بر رعایت اندازه قد و قامت خود، ساده‌پوش و بی‌تکلف و در عین حال آراسته و تمیز بود؛ به‌گونه‌ای که در این زمین

107 . حلیة المتقین، ص ۸ .

108 . همان .

109 . المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۲۰ .

110 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۶۷، ح ۳۱۴ .

111 . المحجة البيضاء، ص ۱۲۵ .

112 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۷۱، ح ۳۲۳ .

نیز الگوی کامل برای همگان بوده است.

ه - کفش و... پوشیدن کفش مناسب نیز در آراستگی انسان نقش دارد. انسان‌های وارسته همواره از کف

ش ه ای ک ه ه م

برای سلامتی پاها مناسب و هم به دور از تفاخر و تجمل باشد، استفاده کرده و سادگی و بی تکلفی را نیز در آن رعایت می‌کنند.^{۱۱۳}

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله همه نوع کفش و دمپایی می‌پوشید.^{۱۱۳} کفش آن حضرت، دو بند داشت که انگشت پا در آن‌ها فرو می‌رفت.^{۱۱۴}

جنس کفش او بیش‌تر، از پوست و موی گاو بود.^{۱۱۵} رسول خدا صلی الله علیه و آله کمربندی داشت که از چرم دباغی شده و در بـ

یک گره وجود داشت و در طرف دیگرش نقره بود و سه حلقه نقره‌ای هم به آن آویزان بود.^{۱۱۶} انگشت آن حضرت نیـ

ست،^{۱۱۷} که نگین آن مدور و نقش آن «محمد رسول الله» بود.^{۱۱۸}

و - آداب لباس پوشیدن: لباس پوشیدن کاری روزمره و امری ساده است، ولی در سیره اولیای خدا همان‌گونه که در

آراستگی ظاهری برای انسان مؤثر است در چگونگی پوشیدن لباس نیز اهمیت دارد. پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله همواره پیـ

شوار می‌پوشید.^{۱۱۹} ابتدا سمت راست را بر تن می‌کرد و هرگاه جامه از تن در می‌آورد، از سمت چپ شروع میـ

کرد.^{۱۲۰}

هرگاه لباس نو می‌پوشید، لباس‌های کهنه خود را به فقیر می‌داد و می‌فرمود:

«هر مسلمانی که در راه رضای خدا، لباس‌های کهنه خود را به یک مسلمان بپوشاند، تا آن زمـ

ان که لباس در تن آن فقیر است او در ضمانت و نگهداری خداوند است.»^{۱۲۱}

آن حضرت، انجام کار را با دست راست شروع می‌کرد و آن را در همه امور دوست داشت و حتی در پوشـ

کفش و در شانه کردن.^{۱۲۲} لباس که می‌خرید، اگر آستین آن بیش از اندازه بود، مقدار اضافی را می‌برید، نمـ

دوزند و به همان حال می‌پوشید و می‌فرمود: کار، خیلی زودتر از این‌هاست!^{۱۲۳} پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«هرکه لباس می‌پوشد باید پاک و پاکیزه باشد.»^{۱۲۴}

در پا کردن کفش، پای راست را بر پای چپ باید مقدم کرد و هنگام در آوردن آن، باید بر عکس عمل شـ

ود؛^{۱۲۵}

113 . بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۵ .

114 . سفن ابی‌داود، ج ۲، ص ۲۷۶ .

115 . بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۲ .

116 . سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۷۵، ح ۳۳۴ .

117 . همان، ح ۳۳۷ .

118 . همان، ح ۳۳۸، ۳۳۹ .

119 . همان، ص ۱۷۷، ح ۳۴۲ .

120 . همان، ص ۱۶۹، ح ۳۲۰ .

121 . همان، ح ۳۲۱ .

122 . بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷ .

123 . مکارم الاخلاق، ص ۱۰۱ .

124 . حلیة المتقین، ص ۱۲ .

125 . محمد حسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۷۹، ح ۳۴۶ .

در هنگام خوردن غذا کفش را از پای درآورد.^{۱۲۶}
 رسول خدا صلی الله علیه و آله انگشتری به دست راست می‌کرد؛^{۱۲۷} انگشتری با نگین عقیق،^{۱۲۸} عقیق سرخ،^{۱۲۹}
 یاقوت،^{۱۳۰}
 فیروزه،^{۱۳۱} بلور،^{۱۳۲} جزع یمانی،^{۱۳۳} و زمرد^{۱۳۴} را مستحب شمرد. هنگام وضو سه بار انگشتر را حرکت
 می‌داد،^{۱۳۵}

-
- 126 . همان، ۳۴۷ .
 127 . همان .
 128 . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۶ .
 129 . همان، ص ۳۹۹ و ۴۰۱ .
 130 . همان .
 131 . همان، ص ۴۰۴ .
 132 . الصدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۷۵ .
 133 . همان .
 134 . همان، ص ۱۷۶ .
 135 . بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۶۶ .

همواره نگین را به طرف کف دست می‌چرخاند و بسیار به آن می‌نگریست.^{۱۳۶}

لباس نباید به وسیله تفاخر و تجمل تبدیل شود. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«من لبس ثياب شهرة في الدنيا البسة الله لباس الثل يوم القيامة».^{۱۳۷}

«هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد خداوند در روز قیامت جامه ذلت و خواری بر

او می‌پوشاند».

امام صادق علیه‌السلام نیز روایت کرده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نهی می‌کرد که مردان، در لباس پوشیدن خود را

شبیهِ زن بپوشند. از آن سزاوارند

و نهی می‌کرد که زنان، در لباس پوشیدن شبیه مردان شوند.^{۱۳۸}

ز - لباس‌های ویژه: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله علاوه بر لباس‌هایی که پوشاننده بدن بوده و در آراستگی نقش داشته

است، از کلاه، عمامه، دستار، عرق‌چین و... نیز استفاده می‌کرد، گرچند آن‌ها پوشاننده بدن نیستند و نمی‌شود به‌صورت مستقیم از

آراستگی ظاهری به‌حساب آورد، ولی به نحوی از ویژگی‌های ظاهری آن حضرت محسوب می‌گردد که چند مورد آن ذکر

می‌گردد:

۱ - کلاه و عرق‌چین: کلاه و عرق‌چین به عنوان پوشش برای سر، در حالت‌های عادی و استفاده کردن آن

زیادتر از عمامه رایج بود.

جلوگیری از عرق سر، از ویژگی‌هایی است که آن حضرت بدان توجه داشته است و پوشاندن سر را در نماز به

همواره توصیه کرده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عرق‌چین و کلاه سفید راه راه می‌پوشید و در هنگام جنگ، عرق‌چین بر سر می‌گذاشت

که دو گوش را می‌پوشاند؛^{۱۳۹} گاهی زیر عمامه عرق‌چین بر سر می‌کرد.^{۱۴۰}

۲ - عمامه: از سنت‌های اسلامی، پوشاندن سر است، چه هنگام عبادت و نماز و چه در مواقع دیگر. پوشش

پیامبر بر سر می‌پوشید و با آن نماز می‌خواند.^{۱۴۱} عمامه رسول خدا

صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن سزاوار بود.

که آن را سه دور، به سرش می‌پیچید.^{۱۴۲}

۳ - حوله: اگر استفاده از دستمال و حوله را برای خشک کردن دست و صورت هنگام وضو، وارد بحث

پوشش و لباس کنیم، مناسب است بدانیم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حوله‌های متعددی داشت، با نام‌های مختلف و کاربردهای گوناگون

که به آن‌ها حوله‌های مختلف می‌گفتند.

بهداشت نظافت و نظم هم مربوط می‌شود. در حدیث است که آن حضرت دستمال و حوله‌ای داشت که پس از وضو

چهره خود را با آن خشک می‌کرد و اگر حوله یا دستمالی همراه نداشت، با گوشه لباس خود صورت را خشک می‌نمود.^{۱۴۳}

۳ - نظافت و پاکی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله

136 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۷۵ .

137 . مکارم‌الاخلاق، ص ۱۱۶ .

138 . همان، ص ۱۱۸ .

139 . مکارم‌الاخلاق، ص ۱۲۰ .

140 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۶۹، ح ۳۱۸ .

141 . همان، ص ۱۷۹، ح ۳۲۷ .

142 . همان، ح ۳۲۲ .

143 . محجة البیضاء، ج ۴، ص ۱۴۳ .

نظافت و پاکی از مهمترین مسائل اسلامی است و از ارکان زندگی انسان می‌باشد؛ زندگی زیبا، با طراوت و شایسته در گستره نظافت و پاکی میسر و ممکن است، «نظافت و پاکی از اخلاق پیامبران الهی است»؛^{۱۴۴} پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله که الگوی زندگی در ابعاد گوناگون بوده است به نظافت و پاکی اهمیت فراوان داده و فرموده است:

«هر چه می‌توانید پاکیزه باشید، زیرا خداوند اسلام را بر پاکیزگی بنیان نهاده و جز مردم پاکیزه کسی به بهشت نمی‌رود».

رعایت نظافت و پوشیدن لباس‌های تمیز و استعمال بوی خوش علاوه بر این‌که بر شادابی خود شخص افزوده و موجب تنفیر و دوری دیگران نمی‌گردد، بر روح و روان دیگران نیز اثر مثبت گذاشته و زمینه مقبولیت او را فراهم می‌سازد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«از بدن خویش مراقبت کنید، خدا ناخوش می‌دارد بنده‌اش را که هرکس کنارش بنشیند، بینی‌اش را بگیرد».^{۱۴۶}

نظافت و بهداشت ره‌آورد دنیای غرب نیست، بلکه متن دستورهای دینی و سنت‌های اسلامی است و بالاترین آن وجود نازنین رسول خدا تجلی یافته است، آن‌هم با شرایط آن روزگار و کمبود آب و وسایل و امکانات. پیامبر خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله است که چگونه زیستن را در رفتار فردی و اجتماعی او باید جست‌وجو کرد و از او الگو گرفت. اینک به بررسی گوشه‌هایی از شیوه‌های رفتاری آن حضرت در مورد نظافت و پاکی می‌پردازیم:

الف - بهداشت بدن

حمام کردن، شست‌وشو، نظافت بدن و زدودن موهای آن، عوامل تأمین سلامتی و نظافت و از نشانه‌های آراستگی است. گرفتن ناخن، چیدن موی سبیل و شارب، زدودن موهای زیر بغل و شرمگاه نیز از همین نمونه‌هاست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«خداوند به ابراهیم علیه‌السلام فرمود: پاکیزه شو! ابراهیم علیه‌السلام سبیل خود را اصلاح کرد. باز فرمود: پاکیزه شو! ابراهیم موهای زیر هر دو بغلش را اصلاح نمود. باز فرمود: پاکیزه شو! ناخن‌ها را بکش و بوی آن را بکش».^{۱۴۷}

طبق روایت خداوند به ابراهیم علیه‌السلام پاکیزگی را فرستاده و آن ده چیز است؛ پنج تا در سر و پنج تا در تن، که عبارتند از: گرفتن سبیل، آراستن ریش، خواباندن مو، مسواک کردن، خلال نمودن، ستردن مو از تن، ختنه، چیدن ناخن‌ها، غسل جنابت و شست‌وشو با آب.^{۱۴۸}

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هر جمعه موهای زیر بغل و زهار را می‌زدود، ناخن‌هایش را می‌گرفت و آن را دفن می‌کرد، شاربش را

144 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۴۵، ج ۲۶۰ .

145 . نهج‌الفصاحه، ص ۷۲، ج ۲۳۸ .

146 . وسائل‌الشیعه، ج ۱، ص ۱۷۶ .

147 . بحارالانوار، ترجمه ج ۱۶، ص ۴۶، باب دوم.

148 . همان، ج ۳ .

کوتاه می‌کرد و بر بدن خود نوره می‌کشید، تا موهایش زایل شود.^{۱۴۹} امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

149 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۳۷، ۱۳۵ و ۱۵۳، حدیث‌های ۲۳۱، ۲۳۶ و ۲۷۹ .

«آن حضرت روز جمعه، پیش از آن که برای برپایی نماز جمعه از خانه بیرون رود، ناخن هایش را

می‌چید و شارب خود را کوتاه می‌کرد».^{۱۵۰}

بلند شدن ناخن یا سبیل، موجب آلودگی و جمع شدن چرک و میکرب در آن می‌گردد. چیدن و کوتاه کردن آن ه

به بهداشت کمک می‌کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به این نظافت، حتی در مسافرت‌ها هم توجه داشت و هرگاه به سفر می‌رفت، پیوسته به پنهان کردن ناخن و سبیل و قیچی. ^{۱۵۱} آن حضرت علاقه داشت که بر موی سر و صورت خود بزند، حتی به ابروها و سبیل هم می‌زد. در سفرها هیچ‌گاه شیشه روغن و سرمه‌دان و قیچی و شانه را از خود دور نمی‌داشت.^{۱۵۲}

بنابر این پیامبر بهداشت بدن را مهم می‌شمرد و به موقع حمام می‌کرد و موهای زاید بدن را می‌زدود و روغن‌های سر و صورت می‌زد و به مسواک نیز اهمیت فراوان می‌داد.

۱ - مسواک: از نشانه‌های بارز و مهم نظافت و پاکی، مسواک کردن است. پیامبر صلی الله علیه و آله اهمیت فراوانی به مسواک و بهداشت

دهان می‌داد؛ دندان‌هایش پیوسته براق و سفید بود و امت خویش را هم به مسواک زدن دستور می‌داد و می‌فرمود: «طیبوا افواهکم بالمسواک».^{۱۵۳}

«دهان‌تان را با مسواک خوشبو کنید».

مسواک کردن سنت حسنه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که مورد تأکید فراوان قرار گرفته و برای آن ثواب فراوان ب

است. امروزه پزشکان نیز بر اهمیت آن تأکید می‌کنند، تا سلامت دندان و بدن به شکل مطلوبی تأمین گردد. البته تأکید زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله به آن، بیان‌گر عمق تدبیر و غنای فرهنگ اسلام است که هنوز طبیبان به ظرافت‌های آن دست نیافته‌اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه می‌خوابید، مسواک را بالای سر خود می‌گذاشت؛ قبل از خواب مسواک می‌زد، و وقت

بیدار می‌شد مسواک می‌زد^{۱۵۴} و می‌فرمود:

«آن قدر [از سوی خداوند] به مسواک فرمان داده شدم که ترسیدم بر من واجب

شود».^{۱۵۵}

در باره امت خویش نیز فرموده است:

«اگر نبود که بر امت دشوار سازم، آنان را امر می‌کردم که با هر نماز مسواک

بزنند»؛^{۱۵۶} اگر مردم از

[فواید] مسواک آگاه بودند، آن را با خویش به بستر می‌بردند».^{۱۵۷}

از دیدگاه اسلام هر چیز آداب و ویژه خود را دارد. مسواک کردن نیز این‌گونه می‌باشد. که باید پیروان و امت

150 . مکرم الاخلاق، ص ۱۰۶ .

151 . همان، ص ۱۰۹ .

152 . همان، ص ۳۵ .

153 . نهج الفصاحة، ص ۴۰۶ .

154 . بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۳ .

155 . همان .

156 . محدث قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷۴ .

157 . التیمی المعزلی، دعایم الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۹ .

زیرا باعث خوشبو شدن دهان می‌شود؛^{۱۶۰} پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای هر نماز مسواک می‌زد.^{۱۶۱}
۲ - خوش‌بویی: از نشانه‌های آراستگی، استفاده از عطریات و مواد خوشبو کننده است، که هم عامل نشاط و طراوت برای خود شخص معطر است و هم به دیگران نشاط و مسرت می‌بخشد. برعکس بوی زشت و متعفن در بدن، لب‌ها، دهان، اسراف،

جوراب و... باعث رنجش و تنفر دیگران می‌گردد.
 پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله آن قدر عطر و مواد خوشبو کننده بر سر و صورت خود می‌زد، که گاهی به عطر معمور ولی اکتفا کرده و با «عود» و «غالیه» خود را خوشبو می‌ساخت،^{۱۶۲} مصرف کردن در جهت معطر کردن، پسندیده و نیکو است و اسراف هم به حساب نمی‌آید.
 امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بیش از آنچه که برای خوراکی و طعام خرج کند، در راه عطریات خرج می‌کرد».^{۱۶۳}
 اگر کسی عطری را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تعارف می‌کرد، خود را عطر آگین کرده و می‌فرمود: بویش پاکیزه و حمول آن آسودگان است و اگر از معطر ساختن خود با آن عذری داشت، تنها به گذاشتن سر انگشت خود بر آن اکتفا می‌فرمود؛^{۱۶۴} و بیان می‌کرد:

«بهترین بندگان خدا کسانی که ... خوش‌بویند».^{۱۶۵}
 چه عیب دارد که امت پیامبر اعظم به پیروی از سیره اخلاقی پیشوایش، بخشی از مخارج روزانه خود را، صرف بهداشت و تمیزی و خوش‌بویی نمایند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«آنچه در راه عطریات خرج کنی، اسراف نیست».^{۱۶۶}
 رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مسئله عطریات آن قدر اهمیت می‌داد و معطر و خوش‌بومی زیست که هرگاه از کوچه و گذرگاهی عبور می‌کرد، پس از عبورش، آنان که از آن مسیر می‌گذشتند، از رایحه و بوی خوش بر جای مانده، پی می‌بردند که پیامبر از این بوی خوش‌بو عبور کرده است.^{۱۶۷} به فرموده امام صادق علیه‌السلام پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله هر جمعه عطر می‌زد و خود را خوش‌بو می‌ساخت و اگر عطر در اختیار نداشت، روسری بعضی از همسرانش را با آب پاشیده بر سر و روی خود می‌کشید، تا خوش‌بو گردد.^{۱۶۸}

ب - بهداشت محیط

نظافت و پاکی محیط، تأثیر شگرفی در روح و روان آدمی دارد؛ محیط پاک و آراسته و خرم، زندگی را شاداب و معطر می‌سازد.

160 . همان، ح ۵۸۵ .

161 . همان، ح ۵۷۹ .

162 . مکارم الاخلاق، ص ۳۴ .

163 . بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸ .

164 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۴۱، ح ۲۴۵ .

165 . البیهقی، سنن کبری، ج ۶، ص ۲۰ .

166 . مکارم الاخلاق، ص ۴۱ .

167 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۴۱، ح ۲۵۰ .

168 . بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸؛ محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۴۱، ح ۲۵۰ .

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فراوان به بهداشت محیط زیست اهمیت داده و فرموده است:
 «خاکروبه (زباله‌های منزل) را پشت در نریزید که جایگاه شیطان است».^{۱۶۹}
 و نیز به جاروب نمودن و تمیز کردن جلوی منزل توصیه فرموده که:
 «آستانه خانه خود را بروبید و مانند یهود نباشید».^{۱۷۰}
 رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داده که:
 «خاکروبه را شب در خانه نگذارید و آن را بیرون ببرید که [زباله] نشیمن‌گاه شیطان
 است»^{۱۷۱}
 و دستمال چرک‌گیری را در جای نگذارید که خوابگاه شیطان است».^{۱۷۲}
 پیامبر صلی الله علیه و آله جارو کردن و پاکیزه نمودن حیاط را مستحب اعلان نمود؛^{۱۷۳} رها کردن ظرف‌های نشسته
 را ناخوش می‌شمرد.^{۱۷۴} می‌فرمود: شب‌ها پیش از خواب سر ظرف‌ها را ببوشانید.^{۱۷۵} ادرار کردن در آب را کدرا جفا [بر
 موجب] می‌دانست،^{۱۷۶} و مردمان را از این کار باز می‌داشت.^{۱۷۷}
 به خاطر بهداشت و حفظ محیط زیست «اجازه نمی‌داد کسی کنار چاه آب آشامیدنی، زیر درخت میوه‌دار،
 میوه‌ها، حیاط خانه‌ها قضای حاجت کنند»؛^{۱۷۸} همواره دستور می‌داد که هفت چیز آدمی را در زمین دفن کنند:
 خون حیض، بچه‌دان، دندان و علقه.^{۱۷۹}
 وقتی عطسه می‌کرد، دست یا پیراهنش را جلوی دهانش می‌گرفت و آهسته عطسه می‌کرد؛^{۱۸۰} چون خمیازه
 دستش را بر دهان مبارکش قرار می‌داد. فرمان داده بود کسی در چاهی که آب آشامیدنی دارد، آب دهان
 نیندازند.^{۱۸۱}
 امروزه یکی از معضلات جهانی که دروای مرزهای جغرافیایی، برای نسل بشر و حیات کره زمین تهدید
 می‌آید، موضوع بهداشت محیط زیست است و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله اهمیت زیاد داشته است. این موضوع اختصاص
 به شوره شور یا شور یاقاره

- 169 . مجلسی، پیشین، ص ۱۱۲ ، باب ۳۷ ، ح ۱۳ .
- 170 . همان، ح ۱۰ .
- 171 . همان، ص ۱۱۱ ، ح ۴ .
- 172 . همان، ص ۱۱۲ ، ح ۸ .
- 173 . وسائل الشیعه، ج ۳ ، ص ۵۷۰ .
- 174 . بحار الانوار، ج ۷۳ ، ص ۳۱۵ .
- 175 . حر عاملی، پیشین، ص ۵۷۶ .
- 176 . بحار الانوار، ج ۷۷ ، ص ۱۸۸ .
- 177 . من لایحضره الفقیه، ج ۴ ، ص ۴ .
- 178 . مجلسی، پیشین، ص ۱۹۳ .
- 179 . محمدحسین طباطبائی، پیشین، ص ۱۴۹ ، ح ۲۷۰ .
- 180 . شرح معانی الآثار، ج ۱ ، ص ۶۶ .
- 181 . بحار الانوار، ج ۶۳ ، ص ۴۶۰ ؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴ ، ص ۱۰ .

یا دین و مذهب خاصی ندارد. از حادثترین مسائل انسان متمدن کنونی است که راه‌حل‌ها و راهکارهای متناسب به خود را می‌طلبد.

آب، حیات‌بخش انسان و همه موجودات است و - چنان‌که ملاحظه گردید - پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از ادرار کردن در آب و یی‌کنار چاه آب آشامیدنی، منع کرده است، زیرا انسان با آلوده کردن آب، عامل حیات را به عامل ممات تبدیل می‌کند.

عمل کردن به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در ابعاد مختلف زندگی، مایه فلاح و رستگاری انسان است. سیره آن حضرت در نظافت

و بهداشت، نیز سرآمد اعصار بوده است؛ دوری و بی‌خبری از سیره حضرت به‌ویژه سیره بهداشتی، زندگی انسان را از واقعیت‌ها دور ساخته و به او هام گرفتار نموده است. دنیای کنونی غرب که در خرافات غرق است و ادعاهای کلان و بزرگ می‌دارد محیط زیست را با زباله‌های صنعتی، انواع سلاح‌های ممنوع اتمی و... چنان آلوده نموده که نه تنها حقوق انسان‌ها، بلکه ه‌حقه قوی خیلی از موجودات زنده دیگر را نیز به خطر افکنده است؛ به گونه‌ای که طبق برآورد انجمن حفاظت محیط زیست آمریکا ا تقریب یک سوم جریان آب جهان به‌طور مشخص آلوده و اصل حفظ کیفیت آب برهم زده شده است؛ سالانه افراد زیادی بر اثر مصرف آب‌های آلوده جان می‌دهند؛ منبع بیماری‌های مهلکی چون وبا، هیپاتیت، آنگل‌ها و ویروس‌ها آب‌های آلوده می‌باشد. ^{۱۸۲}

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام عطسه نمودن و خمیازه کشیدن می‌کوشد به دیگران بیاموزد که باید بهداشت محیط و ه‌ط و ه‌ار عای را رعایت کرد، برای این است که در هنگام تنفس، هوایی که وارد ریه‌ها می‌شود باید هوای سالم باشد. قطعا اگر محیط و هوای اطراف با دود سیگار و ذرات معلق و... در هوا، وارد مجاری تنفس می‌گردد، بیماری‌های مختلف ایجاد می‌نماید. هوای آلوده وده ع‌لاوه بر انسان گیاهان را - که موجب خرمی و زیبایی محیط است - تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا ذرات گرد و غبار معدنی در ه‌ق در ه‌وا هنگ هوا می‌ماند که با نم باران و یا رطوبت ترکیب شود به‌طور طبیعی لایه ضخیمی را در طبقات فوقانی سطح برگ‌ها تشکیل می‌دهد ده‌د ک‌ه به سه س‌ادگی پاک نمی‌شود و مانع ورود نور کافی می‌گردد.

بنابراین بهداشت محیط زیست ارمغان اسلام و سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، که در متون دینی بیان شده است و ت و ب‌ا پی‌اده نمودن و عمل کردن به این سنت، مشکلات زیست محیطی حل و همگان در فضای سالم و با صفا و به‌دور از آلودگی زندگی خواهند کرد.

نتیجه

سیره و رفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برترین الگوی کمال‌جویی است. آن حضرت مظهر کامل و نماد برجسته آراستگی تگی ب‌وده اس‌ت است که با توجه به سیمای ظاهری و شمایل نمونه حضرت، جلوه و درخشش ویژه داشت.

آراستگی ظاهری، رسیدگی به وضع ظاهری از نظر پاک‌ی و پاکیزگی، نظم در پوشاک، چهره و... به منظر ور اس‌ت تقاده بهین از امکانات موجود است که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن توجه شایان داشته است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آراستن سر و صورت، موهای سر و صورت را اصلاح و مرتب می‌کرد و با آب س‌در و ختم شست‌وشو می‌داد و روغن می‌مالید، موهای سر و ریش را خضاب می‌نمود و با شانه مرتب می‌کرد و به چشمان م‌ارک‌ش می‌مالید. ان س‌ان رمه می‌کشید و به آینه نگاه می‌کرد. لباس که برای حفظ و پوشش بدن از سرما و گرما و آلودگی‌ها می‌باشد، موجب آراستگی تگی ان‌سان است و نباید به ابزار تفاخر تبدیل شود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با آن که توان تهیه کردن و پوشیدن بهترین لباس‌ها را داشت، از ساده‌ترین پوشاک آن ع‌صر اس‌ت استفاده می‌کرد و به نظافت و پاک‌ی لباس اهمیت داده و به آن توصیه فراوان داشت. لباس پنبه‌ای و کتانی که متناسب جسم و بدن دن اس‌ت

مورد علاقه حضرت بود و گاهی از روی ناچاری، لباس پشمی می پوشید. در لباس رنگ سفید، سبز و زرد را
پشت
دوست داشت.

بلندی لباس پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه‌ای بود که به قوزك پا نمی‌رسید. آن حضرت ساده‌پوش بود و از هر نوع کفش و دمپایی استفاده نمی‌کرد. به نظافت و پاکی بدن اهمیت فراوان می‌داد و به مسواک کردن تأکید می‌کرد و همیشه معطر بود و دیگران را نیز به استعمال بوی خوش توصیه می‌نمود. مصرف در بوی خوش را اسراف به حساب نمی‌آورد. بهداشت محیط زندگی فردی و اجتماعی را، بسیار مهم شمرد و به رعایت آن - به‌خاطر سلامتی خود و دیگران - توصیه می‌نمود.

فهرست منابع

- ۱ - ديل كارنگى، آيين سخنرانى، ترجمه مهرداد مهريين، تهران: نشر آريان، ۱۳۵۷ ش .
- ۲ - حجتى، محمدامين، اثرات تربيتى رنگها از منظر اسلام و روان شناسى، گروه پژوهشى تعليم و تربيت اسلامى، آماده چاپ.
- ۳ - سيوطى، جلال الدين، الجامع الصغير، بيروت: دار الفكر، الطبعة الاولى ۱۴۰۱ ق.
- ۴ - الصدوق، الخصال، التحقيق: على اكبر الغفارى، قم: جماعة المدرسين فى حوزة العلمية ۱۴۱۴ ق.
- ۵ - بيهقى، احمد بن حسين، السنن الكبرى، دار الفكر.
- ۶ - ترمذى، محمد بن عيسى، الشمائل النبوية والخصائل المصطفوية، مصحح: فواز احمد زملى، طه ۲، بيروت: دار الكتاب العربى، ۱۴۱۸ ق .
- ۷ - ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، طبع الاول، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ ق .
- ۸ - ثقفى كوفى اصفهانى، ابواسحاق ابراهيم بن محمد، الغارات، مقدمه، حواشى و تعليقات: ميرجلال الدين حسين ارموى.
- ۹ - فيض كاشانى، محسن، المحجة البيضاء، التحقيق: على اكبر الغفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين، الطبعة الثانية.
- ۱۰ - حر عاملى، الوسائل الشيعية، چاپ اسلاميه.
- ۱۱ - ابن جوزى، عبدالرحمن، الوفاء باحوال المصطفى، التحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، طه ۱، بيروت: دار الكتب العلمية ۱۴۰۸ ق .
- ۱۲ - مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق ۱۹۸۳ م .
- ۱۳ - مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، ترجمه محمدباقر كمرمنزل شهرى، تصحيح محمد بهشتى، تهران: انتشارات كتابفروشى اسلاميه، چاپ اسلاميه تهران، ۱۳۶۵ ش .
- ۱۴ - ابى يعقوب، احمد، تاريخ يعقوبى، ترجمه محمد ابراهيم آيتى، تهران: شركت انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۷۴ .
- ۱۵ - الحرانى، تحف العقول عن آل الرسول صلوات الله عليهم، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى لجامعة المدرسين، الطبعة الثانية، ۱۳۶۳ ش ۱۴۰۴ ق .
- ۱۶ - المبارك فورى، تحفة الاحوذى فى شرح الترمذى، بيروت: دار الكتب الاسلامية، الطبعة الاولى ۱۴۱۰ ق.
- ۱۷ - الصدوق، ثواب الاعمال، قم: منشورات الرضى، الطبعة الثانية ۱۳۶۸ ش.
- ۱۸ - مجلسى، محمدباقر، حلية المتقين، انتشارات كتابفروشى اسلاميه.
- ۱۹ - التميمى المغربى، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، التحقيق: آصف بن على اصغر فيضى، دارالمعارف ۱۹۶۳ - ۱۳۸۳ م.
- ۲۰ - نيسابورى، محمد بن قتال، روضة الواعظين، التحقيق: السيد محمد مهدى - السيد حسن الخراسانى، قم: منشورات الرضى.
- ۲۱ - محدث قمى، سفينة البحار.
- ۲۲ - سجستانى، سليمان بن اشعث، سنن ابى داود، التحقيق: محمد سعيداللحام، بيروت: دار الفكر.
- ۲۳ - طباطبائى، محمدحسين، سنن النبى صلوات الله عليهم، ترجمه عباس عزيزى، انتشارات صلاة، چاپ هفتم، ۱۳۸۵ .
- ۲۴ - النسائى، سنن النسائى، بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
- ۲۵ - آمدى، غرر الحكم، ترجمه سيد حسين شيخ الاسلامى، قم: انتشارات انصاريان، چاپ ششم، ۱۳۸۲ .
- ۲۶ - هندى، محمدتقى، كنز العمال، مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة ۱۴۰۵ ق ۱۹۵۸ م.
- ۲۷ - طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، بيروت: مؤسسة الاعلمى؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ .

- ٢٨ - الصدوق، من لا يحضره الفقيه، التحقيق: علي أكبر غفاري، قم: جامعه المدرسين، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ ق، بيروت: دار الاضواء.
- ٢٩ - پاينده، ابو القاسم، نهج الصحّة، انتشارات جاودان، ١٣٤٦ .